



استادی که مشوق علامه طباطبایی در تقویت تفکر برهانی بود

حکیم سید حسین بادکوبه ای لاهیجی (قفقازی) از علمای برجسته ی قرن چهاردهم هجری قمری است که از وی با عنوان آخرین مدرس رسمی علوم عقلی در حوزه ی علمیه ی نجف اشرف یاد می شود.

حکیم سید حسین بادکوبه ای لاهیجی (قفقازی) از علمای برجسته ی قرن چهاردهم هجری قمری است که از وی با عنوان آخرب، مدرس، اسم، علم عقل، در حوزه علمیه نجف اشرف یاد می شود.

به گزارش ایرنا، مرحوم حاج سید حسین بادکوبه ای مهم ترین مدرس صاحب نام علوم عقلی در حوزه ی نجف به شمار می روند که میتوان گفت با رحلت ایشان سفره ی علوم عقلی در حوزه ی نجف برچیده شد و بعد از ایشان استادی هم‌رتبه ی وی در تدریس علوم عقلی در حوزه ی نجف نداشته ایم.

مرحوم بادکوبه ای متولد 1293 هجری قمری در روستایی به نام 'خوددلان' در منطقه ای به نام لاهیج که بخشی از بادکوبه ی آن روزگار قفقاز به شمار می رفته، به دنیا آمده است. پدر ایشان سید رضا و پدربزرگشان سید موسی حسینی لاهیجی بوده که نباید با لاهیجان گیلان اشتباه گرفته شود. او تحصیل علوم اسلامی را نزد پدرش آغاز می کند و بخش مهمی از تحصیلات مقدماتی را نزد وی می آموزد.

** تحصیل در حوزه ی علمیه ی تهران و نجف اشرف

وی سپس برای ادامه ی تحصیل به تهران می آید و در حوزه ی تهران که یکی از سرآمدترین حوزه های علوم عقلی بین تمام حوزه های تشیع آن روزگار بوده به مدت هفت سال مشغول به فراگیری علوم عقلی می شود. مهم ترین اساتید ایشان در تهران عبارتند از میرزا ابوالحسن جلوه (متوفی 1314ق)، آقا میرزا هاشم اشکوری گیلانی و آقا شیخ علی نوری معروف به شیخ شوارق و به احتمال بسیار زیاد، آقا میرزا حسن کرمانشاهی.

مرحوم حاج سید حسین بادکوبه ای در مدت هفت سال اقامت تهران، از اساتید نامبرده در فراگیری حکمت سینوی، حکمت متعالیه و عرفان نظری با کمال کوشش و تلاش علمی بهره ای وافر می برد.

اینکه در بعضی از مصادر و منابع مرحوم حکیم مؤسس آقا علی مدرس تهرانی جزو اساتید مرحوم بادکوبه ای به شمار رفته، قطعاً اشتباه است. زیرا سال وفات آقا علی مدرس 1306 قمری است که سید حسین در آن سال 14 ساله بوده و نمی توانسته است از محضر آقا علی مدرس به خاطر صغر سن استفاده کند.

این اشتباه ناشی از شباهت اسمی آقا علی مدرس و آقا شیخ علی نوری است و البته آقا شیخ علی نوری از اجله ی شاگردان آقا علی مدرس بوده که سال های متعددی در مدرسه ی مروی به تدریس انواع کتب فلسفی و عرفانی پرداخته است.

مرحوم حاج حسین بادکوبه ای پس از هفت سال از تهران عازم حوزه ی نجف می شود آن هم در دوره ای که حوزه ی نجف از نشاط علمی فوق العاده ای برخوردار بوده و بزرگانی مانند مرحوم آخوند ملاکام خراسانی (متوفی 1329 ق) صاحب کتاب کفایه الاصول سکان تدریس را به دست گرفته و طلاب از تمام ممالک شیعه نشین راهی نجف می شدند تا از درس ایشان استفاده کنند. مرحوم بادکوبه ای علاوه بر درس آخوند خراسانی در درس مرحوم شیخ محمد حسن مامقانی مشهور به فاضل مامقانی (متوفی 1323ق) حضور به هم می رساند.

اگر آغاز استقلال مرحوم بادکوبه ای را به تدریس از سال وفات آخوند خراسانی بدانیم، ایشان نزدیک به سی سال به تربیت شاگردان مستعد در حوزه ی نجف اشرف اشتغال داشته اند، یعنی همزمان با تدریس سطوح عالی ی فقه و اصول به تدریس فلسفه و عرفان نیز پرداخته اند. حلقه ی درس ایشان بسیار کوچک بوده و درس در منزل شخصی وی برگزار می شده است. ایشان از ابتدا فردی بسیار مذهب و اخلاقی و به دور از جاه طلبی های مناصب دنیوی بودند.

** شاگردان

از شاخص ترین شاگردان مرحوم سید حسین بادکوبه ای عبارتند از : حاج سید ابوالقاسم خوئی، حاج سید محمد حسین طباطبایی تبریزی مشهور به علامه طباطبایی، حاج سید محمد حسن الهی طباطبایی برادر علامه طباطبایی، حاج سید مرتضی مرعشی نجفی، حاج میرزا علی اکبر مرندی، حاج شیخ مجتبی لنگرانی، حاج سید عبدالاعلی سبزواری که بعدها از مراجع دین می شوند، سید محمد اشکوری، سید علی اصغر خوئی، میرزا کاظم دینوری، حاج سید صدرالدین کوهپایه ای اصفهانی، شیخ محمد رضا مهدوی قمشه ای، سید محمد نجفی بادکوبه ای، شیخ محمد تقی بهجت فومنی و حاج شیخ صدرالدین بادکوبه ای مشهور به شیخ صدرا بادکوبه ای معروف ترین و برجسته ترین شاگرد مرحوم بادکوبه ای، استاد بزرگ حضرت آقای علامه ی طباطبایی بوده اند و جالب است که مرحوم علامه برای تدریس علوم عقلی از همان روش تدریس مرحوم بادکوبه ای پیروی کردند و در طول دورانی که اوضاع جسمی خوبی داشته از نشاط علمی برخوردار بودند هم الهیات و برهان شفا را تدریس فرمودند و هم اسفار ملاصدرا و تمهید القواعد ابن ترکه ی اصفهانی را که کتاب اخیر را به صورت خصوصی برای برگزیدگان شاگردانشان تدریس کردند و مرحوم آیه الله بهجت هم نزد مرحوم بادکوبه ای اشارات و تمهید القواعد را خوانده بودند. ایشان بیان بسیار شیوا و رسائی در بیان علوم عقلی داشتند و در این باره از مرحوم آقای خوئی نقل شده که یک تفاوت عمده

بین دو استاد صاحب نام علوم عقلی در آن زمان، یعنی مرحوم کمپانی و مرحوم سید حسین بادکوبه ای، شیوایی و روانی بیان مطالب پیچیده ی فلسفی در درس مرحوم بادکوبه ای بوده است.

ایشان در طول حدودا سی سال تدریس درحوزه ی علوم فلسفی و عرفانی، موفق به تدریس اسفار و مشاعر ملاصدرا، الهیات شفای ابن سینا، شرح منظومه ی سبزواری، منطق شفا، اثولوجیای فلوطین و تمهید القواعد ابن ترکه ی اصفهانی شده بودند. مرحوم علامه طباطبایی در زندگی خودنوشت خود به ایشان اشاره کرده و می فرماید: 'در فلسفه نیز به درس حکیم و فیلسوف معروف وقت مرحوم آقا سید حسین بادکوبه ای موفق شدم و در مدت شش سال که نزد معظم له تلمذ می کردم منظومه ی سبزواری و اسفار و مشاعر ملاصدرا و دوره ی شفای بوعلی و اثولوجیا و تمهید القواعد ابن ترکه در عرفان و اخلاق ابن مسکویه را خواندم.

مرحوم بادکوبه ای از فرط عنایتی که به نویسنده داشت برای اینکه مرا به طرز تفکر برهانی آشنا سازد و به ذهن فلسفی من تقویت بخشد امر فرمود به تعلیم ریاضیات پردازم و به دستور معظم له به درس مرحوم سید ابوالقاسم خوانساری که ریاضیدان زبردستی بود حاضر شدم!.

علامه طباطبایی فرموده بودند: وقتی ما وارد نجف شدیم و علاقه مند به تحصیل علوم عقلی شدیم نزد آقای دیگر به تحصیل علوم عقلی رفتیم لکن سؤالات ما بی جواب می ماند و مشکلات عبارات کتب درسی حل نمی شد لذا درس او را ترک کردیم. بعضی از دوستان مرا به درس آقای بادکوبه ای راهنمایی کردند وقتی به درس ایشان رفتیم دیدیم همان استادی است که به دنبال او می گردیم.

**آثار

متأسفانه در هیچ منبع و مصدري به آثار علمی ایشان اشاره ای نشده است. حتی شیخ آقا بزرگ تهرانی هم که معاصر ایشان بوده، به هیچ اثر علمی ای از مرحوم بادکوبه ای اشاره نکرده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب نقباء البشر راجع به آقا سید حسین بادکوبه ای نوشته: سید حسن بادکوبه ای در علوم عقلی اشتها پیدا نمود و در آن رشته با مهارت، خبرویت و تحقیق و تدقیق شناخته شد. جمعی از افاضل طلاب از درس او فارغ التحصیل شدند او و علامه شیخ محمد حسین اصفهانی مشهور به کمپانی دو چهره ی ممتاز و متمایز بودند که علوم خود را بر مشتغلین ارائه می نمودند و آسیاب درس های علوم عقلی بر محور این دو شخصیت علمی می چرخید و حقیقتا شایسته ی این مقام بودند.

یکی از دوستان ما که از خواص و اجله ی اصحاب آقای بهجت هستند راجع به مرحوم بادکوبه ای دو خاطره از ایشان نقل می کنند که آقای بهجت گفته بودند: یک هفته قبل از وفات آقای بادکوبه ای در بازار نجف به ایشان برخورد کردم به محض اینکه مرا دیدند فرمودند: 'آقای شیخ محمد تقی، باید رفت.' سپس خداحافظی کردند و رفتند. خاطره ی دیگر اینکه مرحوم بهجت می گفتند: آقای حاج سید حسین بادکوبه ای تمام وجودش ذکر بود.

یکی از خصلت های بارز مرحوم بادکوبه ای که همه ی آنان که ایشان را دیده و محضرش را درک کرده اند به اتفاق نقل نموده اند این است که ایشان بسیار کم حرف و غالبا ساکت بوده و فقط به مقدار ضرورت سخن می گفته است که شاید این خصلت مشترک همه ی حکمای الهی بوده است.

بد نیست به این مطلب علمی که از تحقیقات مرحوم بادکوبه ای است و علامه طباطبایی آن را در ذیل تفسیر آیه ی مبارکه ی 'و لاینال عهدی الظالمین' نقل فرموده، اشاره کنیم. عبارت علامه این است: 'فقد سئل بعض اساتذتنا رحمه الله من تقریب دلالة الآية علی عصمة الامام. فاجاب: ... الخ. یعنی پرسیده شد از بعضی اساتید ما که رحمت خدا بر ایشان باد: 'چگونه است دلالت این آیه بر عصمت امام از خطا و خطیئه.' مرحوم بادکوبه ای به کوتاهی و اختصار به این سوال جوابی بس عمیق دادند که علامه تمام آن را نقل فرموده است. اینجا نامی از مرحوم بادکوبه ای نبرده اند، لذا شنیدم از آیت الله جوادی آملی که فرمود: 'از آقای طباطبایی پرسیدیم منظور از بعض اساتذتنا کیست؟ علامه فرمودند: آقای حاج سید حسین بادکوبه ای.' خلاصه ی سخن مرحوم بادکوبه ای درمورد لزوم عصمت برای امام باتوجه به این آیه این است: مردم بر حسب یک تقسیم عقلی چهار دسته اند: 1. گروهی که در تمام عمر خود ظالم هستند (منظور از ظلم در قرآن، شرک است)؛ 2. گروهی که هر گز در طول عمر خود ظالم نبوده اند؛ 3. دسته ای که در ابتدای عمر خود ظالم بوده و بعدا موحد شده اند؛ 4. گروهی که در ابتدای عمر خود موحد بوده اند و بعد مشرک شده اند. از بین این چهار قسم تنها یک قسم است که امامت نصیبش می شود و آن کسانی هستند که در طول عمر خود ظالم نبوده و هرگز شرک نورزیده اند. شان حضرت ابراهیم به عنوان یک پیامبر بزرگ اجازه نمی داده تا او در تقاضای امامت برای فرزندان آن را برای کسانی بخواهد که در طول عمر خویش یا تماما ظالم و مشرک بوده اند و یا اینکه ابتدا موحد بوده و سپس مشرک شده اند. پس آیه در مقام نفی امامت از کسی است که پیشینه ی شرک داشته و اثبات امامت برای کسی است که هرگز مشرک نبوده و نخواهد بود که این عبارت اخرای عصمت است.

**خانواده و بازماندگان :

در این ارتباط هم هیچ اطلاعی از تعداد فرزندان و بازماندگان ایشان نداریم. اما یکی از دوستان ما که از شاگردان آقای حاج شیخ مجتبی لنگرانی است، از قول ایشان و از آقای بهجت به نقل از علامه طباطبایی که هر دو در جلسه ی درس حاج سیدحسین بادکوبه ای حاضر بوده اند، نقل کردند: 'روزی در مجلس درس آقای بادکوبه ای که برفراز پشت بام منزل ایشان برگزار می شد، حاضر بودیم که ناگهان خانواده ی ایشان آمدند و گفتند که پسر شما سخته کرده است. ولی ایشان درس را قطع

نکرده و به تدریس ادامه دادند. پس از چندی دوباره خانواده ی ایشان آمدند و از ایشان خواستند که بر سر بالین فرزندش حاضر شود، چرا که حال او رو به وخامت است. باز هم ایشان درس را قطع نکرده و فقط با حالی خاص، سر را به سوی آسمان بلند کردند و به درس ادامه دادند. تا اینکه برای بار سوم خانواده ی ایشان با ضجه و گریه، آن مرحوم را بر سر بالین فرزند که در حال احتضار بود، فراخواندند. این دفعه ما و دیگر شاگردان به ایشان عرض کردیم که آقا ما راضی هستیم که شما بر سر بالین فرزند خود بروید و به درس ادامه ندهید. آن گاه ایشان برخاسته و برکنار بستر فرزند خود رفتند.¹

توضیح این نکته اینجا مهم است که برای عالمان گذشته ی ما، تحصیل علم و تدریس علم مهم ترین کار به شمار می رفته و هیچ کار دیگری را بر تعلم و تعلیم مقدم نمی داشتند. نمونه اش همین داستان نقل شده ی در بالاست. مرحوم بادکوبه ای که بی شک انسانی بسیار مهربان و عطوف بوده است، در هنگام تدریس و تربیت شاگردان جلوی غلبه ی احساس و عاطفه را تا آنجاکه می توانسته گرفته تا مبدا خللی در امر تدریس حاصل شود و وقتی شاگردان می گویند که شما به فرزند خود برسید، از نظر ایشان حجت تمام می شود که درس را رها کنند و به احوالات فرزند خود بپردازند.

****رحلت:**

وی سرانجام پس از عمری کوشش و تلاش و مجاهدت علمی همراه با وارستگی اخلاقی و معنوی در 28 شوال 1358 هجری قمری (1318 هجری شمسی) در نجف اشرف از دنیا می رود و پس از تشییع باشکوهی، در یکی از حجره های صحن حرم حضرت امیر المؤمنین علی ع دفن می شود.

* نویسنده : دکتر محمد حسن شفیعیان، استاد فلسفه اسلامی